

نقد سه گزاره رایج

عباس عبدي

در جايي ديدم كسي در نقد اعتراضات طرفداران وضع موجود از نحوه عملکردي كه منجر به فوت خانم مهسا اميني شد، نوشته بود كه: «الان مقصر اين ماجرا كيست؟ اسلام كه گفت حجاب؟ نظام كه حكم اسلام را قانون كرد؟ يا ناجا كه قانون را اجرا مي‌كند؟ يا چي؟» به جز بخش يا چي؟ كه پرسش درستي است و پاسخ دارد. هر سه گزاره اول محل نقد و بحث است. «اسلام كه گفت حجاب». اول اينكه در حدود و شمول مفهوم حجاب اتفاق نظري نيست. هر كس برحسب اينكه از چه كسي تقليد كند، مي‌تواند برداشت خود را داشته باشد و فتواي يكساني وجود ندارد.

به علاوه حجاب براي مسلمانان با غيرمسلمانان در اسلام تفاوت دارد. ضمن اينكه فلسفه اوليه حجاب با آنچه امروز مطرح ميشود، به كلي مغايرت دارد. از همه اينها گذشته، در سنت نبوي و سيره ائمه به ويژه در حكومت امام علي اينگونه رفتارها عليه زنان ديده نميشود، در حالي كه به‌طور قطع و يقين آن زمان چنين حجابي كه مورد نظر آقايان است نمي‌توانسته نزد همه زنان وجود داشته باشد ولي در رفتار آنان عليه زنان مشابه رفتار امروز نيست، حتي عكس آن است. گزاره دوم كه نظام حكم اسلام را قانون كرد، نيز مخدوش است. اول اينكه اسلام احكام بسياري دارد، چرا آنها را قانون نكرده‌اند؟ از جمله چرا وجوب حجاب را در همه جا قانون نكردند، فقط در معابر و انظار عمومي جرم‌انگاري شده است، در حالي كه حكم شرعي حجاب با هر ويژگي كه دارد، در همه جا هست، پس چرا عدم رعايت حجاب در منزل مشمول جرم‌انگاري نشده است؟ اين نشان مي‌دهد كه مقنن در پي تبديل عدم رعايت حكم كلي حجاب به جرم نبوده، بلكه بخش خاصي از آن مورد نظرش بوده كه اگر چنين است، پس مي‌توان در همين بخش نيز تجديد نظر كرد. به علاوه همين بخش هم مطابق اسلام نيست، زيرا حكم حجاب مربوط به مسلمانان است، در حالي كه در اين ماده همه زنان مشمول آن دانسته شده‌اند. به علاوه مي‌توان ده‌ها حكم شايع شرعي ديگر را ذكر كرد كه هر كدام به عللي تبديل به قانون نشده‌اند. مثل برده‌داري، گذاشتن ريش براي مردان، يا حتي مثل نماز خواندن كه نخواندن آن جرم‌انگاري نشده است. تقريبا همه آن چيزهايي كه داعش و طالبان مي‌گويند در شرع يافت ميشود پس از اين جهت هم مي‌توان درستي گزاره

دوم را رد کرد. ولی گزاره سوم که ناجا قانون را اجرا می‌کند، به کلی نادرست است و نشان‌دهنده بی‌اطلاعی چنین نویسندگانی نسبت به موضوع است. در قانون آمده است: «زنانی که بدون حجاب شرعی (البته حدود آن تعریف نشده) در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به حبس از ده روز تا دو ماه یا از ۵۰ هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.» گرچه حجاب شرعی در قانون تعریف نشده ولی فرض کنیم که مطابق فتوای مشهور کنونی باشد که به جز کف و دست و گردی صورت باید همه جا پوشیده باشد. در این صورت باید چند درصد زنان را زندان یا جریمه کرد؟ مطابق این قانون در همان محل کارتان اکثریت زنان مجرم خواهند بود. به علاوه باید علیه این زنان در دادگاه پرونده تشکیل و حکم صادر شود، یا ۵۰ هزار تومان جریمه بدهند یا ۱۰ روز تا دو ماه به زندان بروند. آیا می‌دانید برای اجرای این قانون چند ده هزار پلیس و قاضی جدید و چه بودجه بزرگی نیاز است؟ به علاوه نیروی انتظامی در این ماجرا چه وظایف قانونی دارد؟ وظیفه‌اش فقط دستگیر کردن و تحویل دادگاه دادن است. هیچ وظیفه دیگری از جمله ارشاد کردن ندارد. به علاوه حق تبعیض قایل شدن هم ندارد. اینکه يك خانم يك تار موي او بیرون باشد یا قدری از مچ دستش پیدا باشد فرق نمی‌کند که روسری نداشته باشد یا آستین کوتاه پوشیده باشد در شرع چنین چیزهایی نیامده. البته اینها در میزان مجازات تعزیری اثر دارد ولی در اصل مجرمانه بودن رفتار تأثیری ندارد. جالب اینکه مجازات چنین جرمی حداکثر ۵۰ هزار تومان است که می‌توان به راحتی پرداخت کرد. در واقع بعید است که جرمی خفیف‌تر از این داشته باشیم و در عین حال هیچ جرمی به اندازه این مورد، مساله‌سازتر نیست. این نشان می‌دهد که این ماده قانونی یا تبصره آن به کلی غیرعقلایی تنظیم شده است، نیازمند بحث عمومی درباره آن است. پاسخ گزاره آخر؛ «یا چی؟»، روشن است. هرکس که توجیه‌کننده وضع موجود باشد و چشم را بر واقعیت ببندد و بخواهد که جامعه را از درك واقعیت دور کند، یکی از مقصران اصلی این وضع است. اینکه سه گزاره قابل نقد و بعضاً نادرست را به عنوان پیش‌فرض‌های قطعی معرفی کنیم، و بنای نقد خود را بر چنین پایه‌های سستی قرار دهیم، بسیار عجیب است. به قول مرحوم مطهری تقصیر >هـ"ال است که به خیال خود می‌خواهند امر به معروف و نهی از منکر کنند، ولی نتیجه عکس می‌دهند.